



امام سجاده (ع) فرمودند:

هر کس به قسمتی که خدایش داده قانع باشد، همو، بی نیازترین مردم است.  
الانسانی، عقیده، ص: ۱۸۴

## خ طابه

### انسان در اثر تبلیغ و معاشرت با مردم، خیلی از حقایق را می‌تواند بفهمد

بیانات آقای اخوت درباره موضوع تبلیغ و مبلغ شدن، پنجشنبه ۲۲ مهرماه (قسمت سوم)

#### مقدمه‌ای درباره ماه محرم و حقیقت مصیبت

انسان می‌داند که در میان مصیبت‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) کدام مصیبت از همه سنگین‌تر است. اگر زمانی انسان به این نتیجه برسد، تحولات خیلی اساسی در او به وجود می‌آید. بزرگ‌ترین مصیبت اهل بیت (علیهم‌السلام) این است که حقایق نزد مردم توزیع نشده و حق، فهم نشود. بزرگ‌ترین مصیبت‌هایشان از دست دادن جان و فرزند و اسارت نیست بلکه کج‌فهمی‌ها و دی‌رفهمی‌ها و راه نیفتادن‌های انسان‌هاست، پس باید دعا کنیم که ما جزء مصیبت‌های ایشان نباشیم. با معیار آخرت‌گرایی اگر سنجیده شود، مصیبت آن است که آخرت‌گرا نشویم. این نکات به این معنا نیست که برای مصائب اهل بیت (علیهم‌السلام) گریه نکنیم اما به نظر می‌رسد گاهی اوقات اینکه انسان برای خودش گریه کند ارجح است. حداقل خوب است بعضی اوقات به این موضوعات هم فکر کنیم که آنکه شهید شده است، به اعلیٰ علین رسیده و به اندازه مصائبش اجر دریافت کرده است، اما مصیبت زده آن است که اهل دنیا شود، حتی اگر ظاهراً بهترین زندگی و مرگ را هم داشته باشد. ایام عاشورا ایامی است که این فکر را در ما ابلاغ کند که اتصال خود را با اهل بیت (علیهم‌السلام) بیش از پیش کنیم تا نام ما نیز در لیست مفلحین بیاید. اینکه ما چطور می‌توانیم نام خود را در لیست آنها قرار دهیم، از نکاتی است که باید به آن فکر کنیم و از نشانه‌های اطمینان به پذیرش در لیست مفلحین، این است که هرگاه بخواهیم گناه کنیم، نشود و نتوانیم گناه کنیم. یعنی اصلاً ذائقه‌مان به سمت گناه و انحراف نرود و تغییری در ذائقه خود احساس کنیم.

سه نکته در تعریف انواع تبلیغ

است و هیچ کس هم نباید بگوید ما متصف به قرآن، اخلاق و روایات نیستیم و مبلغ نمی‌شویم. در جوابش می‌گوییم اگر متصف نیستید اما علم که دارید، پس همان را انتقال دهید. در روایات قبلی بیان شد که چه بسا فردی فقیه نیست اما پیامی را به یک فقیه می‌رساند و او روشن می‌شود یا اینکه فرد فقیه است اما فقیه‌تر از او وجود دارد که پیام را گرفته و بهتر می‌فهمد. نکته دیگر اینکه در حوزه تبلیغات جمعی، هیچ کس نباید برایش فرقی کند کجای این مشارکت قرار دارد. ممکن است کسی فقط بتواند نرم‌افزار تولید کند، صوت ضبط کند یا... اما مهم اینکه همه حس مبلغ بودن داشته باشند.

**نکته سوم:** همانطور که تبلیغ دو ساحت مختلف داشت، نوع ابراز آن نیز در هر دو ساحت به دو حالت کلی می‌تواند باشد: تبلیغ اندازی و تبلیغ تبشیری. در تبلیغ اندازی، انذار به این معناست که حرکتی بناسط شروع یا اصلاح شود، یعنی این حرکت یا اصلاً نبوده یا وجود داشته اما ناقص بوده است. مثلاً معلم مدرسه به شاگردانش تکلیف داده اما انجام نداده‌اند پس تنبیه می‌کند. البته تنبیه به معنای تنبیه یعنی متوجه کردن، هشدار دادن، هوشیار کردن و آگاه‌اندن فرد است، نسبت به غفلتی که دچار آن می‌باشد. حالت دوم که تبشیری است به معنای تبلیغ‌های تکمیلی است. یعنی شخص کار را انجام داده است و تا مرحله‌ای هم آن را رسانده اما حالا باید به او کمک کرد تا مرحله بعد را طی کند، که به این روش تشویق می‌گوییم و به معنای ایجاد شوق برای تکمیل و ارتقا است. نه اینکه مثلاً به او هدیه دهیم، بلکه کاری کنیم که مرحله بالاتری را بتواند

**نکته اول:** در جلسات پیش مطرح شد که دو نوع تبلیغ داریم. یک نوع تبلیغ حقیقی و ذاتی که مربوط به رسالت است و نوع دیگر تبلیغ انتقالی است که مربوط به انتقال پیام‌هاست. معلوم شد آنچه ما قصد انجام داریم، از نوع تبلیغ انتقالی است و مثالش هم این بود که وقتی در غدیر خم امیرالمومنین (علیه‌السلام) را منصوب کردند، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بر همه حاضرین امر کرد که این پیام را به سایرین برسانند. صدها روایت از اهل تسنن راجع به غدیر آمده است اما اغلب آنها به دو یا سه خط بسنده کرده‌اند در حالیکه وقتی فرد می‌خواهد پیام را برساند باید کل خطبه حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در غدیر را به طور کامل بیاورد. این خطبه یک ساعت طول کشیده بود. یعنی اگر تبلیغ انتقالی برای واقعه غدیرخم به طور کامل اتفاق می‌افتاد خیلی از مشکلات اسلام و مسلمین برطرف می‌شد. اگر همین مقدار که انسانها حرف‌های خوبی که شنیده بودند را انتقال می‌دادند، منجر به این می‌شد که خویبها انتقال یابد و ما نیز باید به این سمت برویم. نکته مهم اینکه هر قدر مبلغ انتقالی خودش را به مبلغ درجه یک که رسول و امام باشند، نزدیک‌تر کند، اثر کارش بیشتر می‌شود.

**نکته دوم:** گفته شد تبلیغ ساحت جمعی دارد. اینکه به تبلیغ نگاه جمعی نشده، خیلی بد است. مثلاً الان به هر روستا یک نفر مبلغ می‌فرستند اما چه اشکال دارد یک گروه تبلیغی متشکل از قاری قرآن، توزیع کننده کتاب و... فرستاده شود؟ تبلیغ اصلاً نمی‌تواند جمعی نباشد و ما باید به سمت ابداعات جدید برای تبلیغ برویم. پس با نکته اول خیالمان راحت شد که تبلیغ‌هایمان از نوع انتقالی



چیز جز عمل انسان را از غیر خدا بی نیاز نمی کند و به ولایت ما نمی رسند مگر آنکه ورع داشته باشند و از بین مردم آنکه عدل را توصیف کند و خود بدان عمل نکنند از همه بیشتر در روز قیامت حسرت می خورد.



از حدیث می فهمیم که همه چیز به عمل است و انسان بایستی با عمل به خدا تقرب بجوید و آنچه را که بلد است به عمل تبدیل کند. در این مسیر، ورع هم باید داشته باشد. ورع یعنی حالتی از ترس که گناه برای فرد حریم دارد و او از گناه وحشت می کند. در ادامه روایت آمده است که باید خود به آنچه که می گوئیم عمل کنیم، این نباید مانعی شود که تبلیغ را کنار بگذاریم بلکه خود را در جریان تبلیغ می اندازیم و سعی می کنیم ذره ذره به آنچه که می گوئیم نزدیک شویم. بنابراین دعای مبلغان باید این باشد که خدایا ما را به آن حقایقی که برای مردم وصف می کنیم، متصف کن و هر آنچه از انبیاء و اولیاء خوبی گفتیم و دیگران شنیدند، آن حقایق را در ما هم جاری کن.

بنابراین احادیث، دو سر یک طیف را بیان می کنند. یکی آنکه اگر مطلبی را عمل نمی کنید اما آن را بگوئید. دلیلش آنکه یک عده فقیه هستند و یک عده افقه و پیام را باید به آنها رساند تا بهره ببرند. دوم آنکه اگر می خواهید به حسرت روز قیامت گرفتار نشوید، آنچه می گوئید را خود انجام دهید. انسان گاهی اوقات به واسطه گفتنهای خودش، متوجه می شود حقایق و خوبی چیست.

توسعه داده و تکمیل کند. پس تنبیه یعنی اصلاح و رو به جلو بردن و تشویق یعنی تکمیل و تقویت کردن و توسعه دادن. برای مثال در کلاسی، ۲۰ دانشجو حضور دارند که ۱۰ نفر درس را خوب یاد می گیرند و ۱۰ نفر خوب یاد نمی گیرند. دسته دوم را باید تنبیه کرد یعنی اقدامی کرد که درس را یاد بگیرند و زمینه یادگیری را در آنها فراهم نمود، مثلاً با گروه بندی و سپردن آموزش بیشتر آنها به دست گروه اول که پیشرو هستند و این مسئولیت بیشتر برای گروه اول، تشویق آنهاست. پس نباید تنبیه را مجازات و تشویق را پاداش تعریف کرد. چنین تعریفی اشتباه است. ما باید هر دو حالت تبلیغ را داشته باشیم. اگر تبلیغی شامل هر دو حالت نشود و تاکید فقط بر روی یکی باشد، درست نیست.

#### نحوه تبلیغ عملی و بدون زبان

در همین باره دو حدیث را از کتاب مشکاة الانوار (صفحه ۴۶) بررسی می کنیم:

قال ابا عبد الله کونوا دعاة الناس بغير السننکم لیروا منکم الاجتهاد والصدق والورع.

امام صادق (علیه السلام) میفرماید: مردم را به سمت خدا دعوت کنید ولی نه با زبان، تا آنها از شما اجتهاد، صدق و ورع را ببینند. یعنی مثلاً وقتی وارد یک مسجد یا محلی می شوید این زبان شما نیست که به مردم می فهماند این شخص مجتهد است بلکه عمل شماست که اجتهاد شما را اثبات می کند. این زبان شما نیست که به مردم ثابت میکند شما صادق هستید و قول و فعل شما یکی است بلکه این عمل شماست که صدقتان را اثبات می کند و ورع شما را هم عملتان اثبات می کند و این می شود معنای دعاة الناس الی الله، همراهی سه صفت اجتهاد، صدق و ورع در کنار هم در یک شخص، ترکیب بسیار زیبایی را می سازد که جا دارد درباره اش تفکر کنیم.

حدیث دوم درباره عمل و ورع است: عَنْ خَيْثَمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ لِأُودِعَهُ فَقَالَ: أَبْلِغْ مَوَالِيَنَا السَّلَامَ عَنَّا وَأَوْصِهِمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَعْلِمُهُمْ يَا خَيْثَمَةُ أَنَا لَا نَعْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ وَأَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

شخصی نقل می کند که: من وارد شدم برای آنکه خدا حافظی کنم، امام صادق (علیه السلام) فرمودند سلام ما را به دوستان ما برسان و به آنها توصیه کن به تقوای خدای عظیم و به آنها یادشان ده که هیچ

گویی بدین واسطه خود خدا، خوبی را به او نشان می دهد. انسان در اثر معاشرت با مردم، خیلی چیزها نصیبش می شود و خیلی حقایق را می فهمد. خیلی وقتها فرد ابتدا به صفتی مشهور می شود و بعداً آن صفت در او متبلور می شود. در روایات می گویند وقتی مومنی از دنیا رفت، چهل مومن شهادت دهند که از او خلاقی ندیده اند، انگار حتی خوب دیدن افراد پس از مرگ هم برایشان سبب رحمت است. همینکه فردی به دیگری بگوید شما چقدر مومن اید و افراد مختلف نیز به همین را بگویند، در این صورت شخص می بیند به جز مومن بودن کار دیگری نمی تواند بکند و حتی در خلوت خودش هم مومن می شود.

#### لزوم حضور مبلغ در روستا

خدا کمک کند به روستا برویم و تبلیغ واقعی کنیم. ما در شهر مثل گیاهان مصنوعی رشد کرده ایم و وحشی بار نیامده ایم، یعنی نمی دانیم تبلیغ یعنی چه؟ تبلیغ یعنی اینکه انسان با مردم معمولی زندگی کند، آنقدر که ظرف یک سال در اثر مواجهه زیاد با افراد مختلف و جهت مشکل گشایی آنها، به این ضرورت برسد از همه تخصصها، کمی بدانند. چون مبلغ در بین مردم معمولی روستا در مورد همه چیز مورد سوال واقع می شود و تبلیغ نیز باید به لسان قوم باشد. در حالیکه ما در شهر ضرورتی برای یادگیری هیچ چیز را نداریم، حتی یک سوال احکام هم از ما نمی شود.

تبلیغهای فعلی توسط ما چون در لایه های مخفی است یعنی کسی از زندگی ما خبر ندارد، بنابراین آنچنان تاثیری هم ندارد. شما نمی توانید به مردم بگوئید ساده زیست باشید اما سر و وضع زندگیتان اینطور نباشد. به طور طبیعی زندگی کردن با مردم اختصاصات خودش را پیدا می کند. به خاطر همین، اصل بر این است که مبلغ باید از روستا وارد شهر شود. چرا که همه چیز روستایی آشکار است و نمی تواند از حسن خلق صحبت کند و خودش حسن خلق نداشته باشد. فردی که در روستا بزرگ شده است مثل گیاه وحشی، فطری بار آمده و بیش از آنکه می داند و انجام می دهد، ادعا نکرده و حرف نمی زند. نظام تبلیغ باید از فضای روستا نشینی وارد شهر شود. چرا که شهرنشینان به اندازه روستا نشینان منعتف نیستند و غالباً دنیاطلبی در وجودشان فرو رفته است. مبلغ در روستا اول از همه، باید بیل دستش بگیرد و حرف هم نزند. یعنی باید یک مدت زندگی کند تا بتواند از مردم و همراه مردم شود. اگر



افراد فعلا امکان مهاجرت تبلیغی به روستا را ندارند، حداقل با خیالشان به روستا بروند و تبلیغ کنند! تا آمادگی و رغبت در آنها ایجاد شود. همچنین مادرها باید فرزندان خود را به نیت مبلغ شدن تربیت کنند تا وقتی وارد دبیرستان یا حوزه شد بتوانند تبلیغ کنند امیدواریم و قصد داریم که ان شاء الله مدرسه قرآن بتواند مبلغ هایی را تربیت کند و آنها را حداقل در

۱۴ روستا برای تبلیغ اعزام کند. این ۱۴ روستا را نیز به نیت ۱۴ معصوم علیهم السلام انتخاب کرده ایم، که مبلغین علوی، مبلغین فاطمی، مبلغین حسنی و... در آنجا محقق شوند. بایستی به تعداد اهل بیت علیهم السلام تنوع تبلیغ داشته باشیم. اگر فرصت کنیم در بحث های آتی درباره تنوع تبلیغ صحبت خواهیم کرد. شئوناتی که اهل بیت علیهم السلام برای بشر در حیثیت ذاتی خودشان برای تبلیغ طراحی کرده اند، حائز اهمیت است که

دستگاه فکری، علمی و حوزه علمیه و تبلیغ درست می کند. یعنی حوزه علمیه فاطمی با حوزه علمیه علوی فرق می کند، اما نه اینکه تفاوت های فاحش داشته باشد، بلکه خاصیت آنها با یکدیگر فرق دارد. ان شاء الله خدا به ما توفیق دهد و دست ما را بر کند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

## یادداشت علمی

### قرین شناسی

به غفلتی دچار می کند که تنها زمانی که خود را در پیشگاه خداوند حاضر ببیند، متوجه وجود این همنشین بد شده و بعد فاصله ای که از خدا گرفته را می فهمد و می گوید: ای کاش فاصله ام با تو نزدیک بود ای رحمن، طوری که الان نزدیک و نزدیکتر به تو بودم.

در هر کاری که در زندگی مان می کنیم، اگر انحراف، نادرستی، هوای نفس و... را در آن دیدیم، بدانیم که لحظه ای با شیطان قرین شده و از ذکر رحمن دور بوده ایم. این زمان همان است که انسان خود را حاضر در پیشگاه رحمن می بیند و می تواند به ارزیابی خود پرداخته و ببیند که کجای کار را خطا رفته است تا از همان جا اصلاح را شروع کند. انسان بهتر است هر زمان که متوجه همنوایی شیطان با خود شد - که خودش را با تصمیمات غیر عاقلانه و ضرر زننده به انسان نشان می دهد- برگردد و خود و زندگی اش را بررسی کند و ببیند که این نزدیکی از کجا حاصل شده است. همان خودی را بررسی می کند که در مقابل خدا حاضر دیده و متصل به ذکر رحمن می شود. ایام محرم زمان اتصال دائم به ذکر رحمن و زندانی شدن شیطان است، همانند ماه مبارک رمضان، «قدر» آن را بدانیم، ان شاء الله.

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ\* وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهُتَدُونَ\* حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾

هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می فرستیم و همواره قرین او باشد. و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا باز می دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند. تا زمانی که نزد ما حاضر شود می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی هستی تو. (سوره مبارکه زخرف، آیات ۳۶-۳۸)

ذکر سبب اتصال انسان به خداست. هر چه این اتصال محکمتر باشد همنشینی انسان با هر آنچه رحمنی است، بیشتر خواهد شد. اگر ذکر رحمن همواره همراه انسان نباشد و بر مبنای آن باورها و رفتارهایش را استوار نکند، هرگاه خلایی به علت فقدان ذکر حس شود، جایش را به قرین شدن شیطان می دهد. چینی شیطانی، انسان را همراهی می کند و مبدأ تصمیمات او می شود. مثل دوست و همنشینی که در همه کارها با او مشورت می شود. چنین همجواری با شیطان، از فقدان ارتباط با خدا (مانند نقص در عبادات: نماز، روزه و...) و عدم اتصال به هر آنچه در احکام آمده و ذکر آفرین است، حاصل می شود. در نتیجه انسان را

## یادداشت ادبی

### فضل... ابوفاضل... ابالفضل

دریافتی از مفاهیم شاکله، صفت و فضل در نسبت با ابوالفضل العباس علیه السلام

فرات رعشه می اندازد.  
ابوفاضل حسین علیه السلام قطعه قطعه می شد و کمر مولا علیه السلام به همراه او انکسر ظهری...  
عمود بر سرش آمد و فضل افتاد و از آن هنگام، شاکله هستی از هم شکافت.  
امویان فهم نکردند خورشید، قمر می خواهد و هستی، شاکله؟  
با خود نگفتند اگر قمر بشکافد و خورشید عریان شود، هستی بدون شاکله چگونه به حیاتش ادامه دهد؟  
با خود نگفتند دریا، جزر و مدش از قمر است و قمر نورش به فضلش؟  
و فضل، قطره قطره کنار علقمه از خجلت سوراخ شدن مشکش آب شد...  
و شاکله هستی از آن روز در غروب دهمین روز، بی غایت ماند.

شب تا سوعاست... مداح از قمر بوفاضل می گوید و من درگیر فضل ابوفاضلم...  
سخن از ام البنین و چهار پسرش است و من درگیر فضل ابوفاضلم...  
سخن از جعفر، عثمان و عبدالله است و من درگیر ابوفاضلم...  
و مداح به قرص قمر که رسید، من هنوز درگیر ابوفاضلم...  
عباس علیه السلام عمو بود، ماه بود، قمر بود، سقا بود، پسر مولا علیه السلام بود و من هنوز درگیر ابوفاضلم...  
فضل قمر در کجای هیبت ماه نمایان می شود؟  
شاکله عباس را چه صفاتی بهم دوخته بود که غایتش وصل به هستی شد و رسید به فضل؟  
و فضلش کنار علقمه چنان قطعه قطعه شد که هنوز غرّش هیبتش بر امواج

**قطعات عالیات**

**شوق دیدار حسین (علیه السلام)**

لهم دار السلام، السلام عليك يا ابا عبد الله (علیه السلام)  
حبّ حسین (علیه السلام) دارم و شوق نگاه او  
قالب مهیا کنم از یمن نگاه او  
آنقدر حسین (علیه السلام) گویم و یارب، به حق او  
تا آنکه نصیب من شود دمی نگاه او  
نور دو چشم کوثر و میوه دلش  
من تا ابد جیره خوار اویم و لطف نگاه او  
گویم سلام بر حسین (علیه السلام) و خاندان او  
تا اینکه روزیم شود، نور نگاه او  
نور هدایت است مرا و کشتی نجات  
بیت حسین (علیه السلام) و معرفت و حسن نگاه او  
ما را مباد لحظه ای دوری ز عشق او  
زانکه کمال و امن و شرف است در نگاه او  
خواهی که هر زمانی کنی اقتدا به او  
باید که عبد خدا باشی در چشم و نگاه او  
ما را بود مدام که باشیم در نماز  
زانکه تماشای نماز است نگاه او  
او کشته نماز است و محبی روح دین  
ما را بود وصل مدام به عمق نگاه او  
قد قامت نماز و رکوع و سجود من  
آن سجده اعلاي خداست در نگاه او

|| نرگس ضرغامی فر ||

**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ  
مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهين**

برگرفته از سوره مبارکه طور، کلاس روش شناسی تدبیر

صبور باش مهربان رسولم...  
صبور باش که تو مدام در نظر ما هستی.  
صبور باش که اینان مرگ پدری را از خدا می خواهند  
که برای هدایتشان از هیچ محبتی فروگذار نکرده.  
صبور باش پدر مهربان امت...  
که فرزندان خلفات به تو خواهند پیوست،  
بر سر خوان بهشتی،  
و تعریف خواهید کرد از نعمتهای بی منت خدا بر  
خود و اهلتان،  
و تعریف خواهند کرد از وجود نعمت پدری  
دلسوز...  
صبور باش که خدا مرگشان دهد کسانی که خواهان  
تلخی روزگار بر تو هستند...  
بر تویی که فقط از هلاکشان و واگذار شدنشان بیم  
داری.  
صبور باش و استقامت کن، باشد که فرزندان  
بشناسند تو را و مهربانیات را...  
تا در بیت تو وارد شوند و سقف رفیع محبت تو را  
سایه سار خود ببینند.  
بنشینند در سایه دریای محبت خروشان و اهلت  
شوند...  
اهل پدری دلسوز...  
و پرهیز کنند از دوری از تو...  
و هم جنس نشدن با تو.

|| مریم کوچک زاده ||



**برگزاری مراسم دهه دوم محرم توسط هیأت رهروان قرآن و عترت (علیه السلام)**

مراسم دهه دوم ماه محرم، به مدت سه شب از روز سه شنبه ۲۷ مهرماه تا روز پنجشنبه ۲۹ مهرماه با اقامه نماز مغرب و عشاء و سخنرانی آقای اخوت درباره «چگونگی شکل گیری منسک با محوریت مناسک عاشورا و اربعین» و سپس مرثیه سرایی مداح اهل بیت (علیه السلام) در مکان مدرسه دانشجویی قرآن و عترت (علیه السلام) (خ. کارگر شمالی، پلاک ۱۴۳۷) برگزار می شود. حضور برای عموم عزاداران حسینی آزاد و مایه امتنان است.

**امکان دریافت متون کلاس ختم مفهومی شنبه ها و جلسات خانوادگی از وبلاگ یامالک الملک**

محتوای کلاس ختم مفهومی شنبه ها و جلسات خانوادگی چهارشنبه ها توسط آقای اخوت، به مدت بیش از دو سال است که به صورت جزوات در وبلاگ «یا مالک الملک» (yamalekalmolk.blog.ir) جهت دریافت، گذاشته میشوند. زین پس متن جلسات خانوادگی نیز به طور کاملتری توسط دوستان قرآنی از صوت کلاس پیاده خواهد شد تا مخاطبان بتوانند به راحتی به تمامی مطالب مطرح شده در جلسه دسترسی داشته باشند.  
هم اکنون محتوای سوره مبارکه عصر از کلاس ختم مفهومی و سوره مبارکه فرقان از جلسه خانوادگی در حال پیاده سازی متن بوده و هر هفته بارگذاری می شوند. نیز، جزوات ذیل به صورت آرشیو از قبل، قابل دسترسی می باشند: سوره مبارکه جن، فلق، ناس، توحید، کافرون، مسد، نصر، کوثر، ماعون، فیل و قریش، همزه، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، مومنون و نور.